

## زیارت رسول خدا ﷺ در کتاب و سنت

در ابتدا، مؤلف ضمن بیان این مطلب که همه مذاهب اهل سنت به جواز زیارت رسول خدا ﷺ قائل هستند، ابتدا آیاتی در این باره ذکر می‌کند.

یکی از این آیات، آیه ۶۴ سوره نساء است که می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛

اگر گناهکاران نزد تو بیایند و استغفار کنند و پیامبر نیز از خدا برای آنها غفران بطلبد، خداوند را توبه‌پذیر و بخشنده خواهند یافت.

این آیه، بخشیدن خدا را نه معلول استغفار صِرف، بلکه همراه با شرفیابی نزد رسول خدا ﷺ می‌داند. مؤلف برای تأیید این ادعا، از قرطبی، ابن کثیر، علی بن محمد بغدادی،<sup>۱</sup> و شیخ جمال بن عبدالله شیخ عمر<sup>۲</sup> کلامی موافق با سخن خود نقل کرده است.

آن‌گاه در توضیح روایت «لا تشد الرحال» چنین می‌نویسد:

این حدیث می‌گوید جز به‌سوی سه مسجد، نباید توشه سفر بسته شود. اما مفهومی کلی که در این جمله این سه مسجد از آن استثنا شده‌اند، چیست؟ اگر کلمه «قبر» باشد، در این صورت معنا چنین می‌شود: «غیر از سه مسجد، به‌سمت هیچ قبری نروید». اینجا این اشکال پیش می‌آید که آن سه مورد استثنا شده و آن مفهوم عام و کلی، که مورد تخصیص قرار گرفته است، از یک جنس نیستند. اگرهم کلمه «مکان» در تقدیر باشد، اشکالش شدیدتر است و معنایش چنین می‌شود: «به هیچ‌جا غیر از این سه مسجد نروید». این در حالی است که سفرهای زیادی مورد توصیه دین قرار گرفته است. احتمال سوم این است که کلمه «مسجد» در تقدیر باشد که معنا این چنین می‌شود: «به غیر از سه مسجد، به مساجد دیگری مسافرت نکنید». مؤلف همین معنا را مطلوب

کرده‌اند. اثر مزبور را انتشارات مشعر، در سال ۱۳۹۱ش در ۲۵۱ صفحه به چاپ رسانده است. البته گزارش نویسی این کتاب با مطالعه متن اصلی و عربی کتاب مزبور انجام شده است.

۱. معروف به خازن.

۲. مفتی مکه.

می‌داند؛ به دلیل اینکه غیر از آن سه مسجد، مساجد دیگر در میزان ثواب برابرند و نیازی به تحمل رنج سفر برای نماز در سایر مساجد نیست. او اعتقاد دارد روایت فوق هیچ ربطی به مذمت زیارت قبور ندارد و برای تکمیل مدعای خود، چندین حدیث در فضیلت زیارت قبر رسول خدا ﷺ می‌آورد که یکی از آنها این روایت است: «هرکس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب است». وی در تصحیح این حدیث بسیار می‌کوشد و ضمن اینکه توثیق رجال آن را از سبکی نقل می‌کند، خود وی نیز در بحثی جداگانه به حل شبهات رجالی آن می‌پردازد. همچنین در ادامه، زیارت بلال را به عنوان مؤید می‌آورد؛ ولی به این نیز بسنده نمی‌کند و احادیثی در ادامه می‌نویسد به این مضمون که افرادی که علی‌رغم قدرت بر زیارت، آن را ترک کنند، خطب بزرگی مرتکب شده‌اند. نمونه مشهور آن نیز این روایت است: «هرکس حج بگذارد، ولی مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است». وی اعتقاد دارد زیارت رسول خدا ﷺ نه تنها هیچ منافاتی با توحید ندارد، بلکه در راستای آن است و موجب رحمت خداست؛ البته نباید هیچ غلوی در آن صورت بگیرد و مقام ایشان از رسالت بالاتر برود که این کار، مذموم است.

مؤلف این فصل را با سخنی از فقیه قاضی به پایان می‌برد. وی می‌گوید:

اگر یکی از ما یک صفت زیبا و فضیلت اخلاقی داشته باشیم، در میان مردم معروف و محبوب خواهیم شد و بعد از مرگمان نیز مورد احترام آنان خواهیم بود. پس چنین برخوردی با کسی که تمامی صفات خوب را داشته باشد، یعنی پیامبر خدا ﷺ، باید بسیار بیشتر از امثال ما باشد.

### نصوص پیشوایان سلف از محدثان و فقها درباره زیارت رسول خدا ﷺ

در این بخش، به بیان سخنان ائمه سلف، اعم از محدثان و فقیهان مشهور اهل سنت، درباره فضیلت زیارت پیامبر ﷺ می‌پردازد. از باب مثال، از قول مالک بن انس، که به احترام رسول خدا ﷺ هرگز در مدینه سوار بر مرکب نشد، زیارت آن حضرت را عملی عظیم می‌داند؛ حتی برخی مالکی‌ها آن را واجب می‌شمارند. قاضی عیاض نیز مناقشات حول روایت «كنت نهيتكم عن زيارة القبور» را مطرح کرده، نهی در روایت را مربوط به

«عبادتِ قبر» می‌داند، نه «زیارتِ آن». ابن‌قیم قصیده‌ای در این باره سروده است و ابن‌حجر هیتمی نیز ادله‌ای از آیات و روایات برای اثبات افضلیتِ زیارت ذکر کرده است؛ از جمله آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup>.

او در ادامه نیز سخنانی از ذهبی، محمد بن یوسف کرمانی، هیتمی، عینی، ابومحمد بن قدامه، ابوالفرج بن قدامه، بهوتی، فتوحی، شوکانی و چند تن از دانشمندانِ نامدارِ حنبلی در فضلِ زیارتِ پیامبر ﷺ ذکر می‌کند. مثلاً یکی از استدلال‌هایی که شوکانی در این باره دارد، این آیه قرآن است که می‌فرماید: «وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۲</sup>. وجه استدلالِ او این است که چون وفات رسول خدا ﷺ نیز مانند حیاتِ اوست، پس هجرت به سمتِ او عملی نیک خواهد بود.

مؤلف اقوال علمای شافعی‌مذهب را نیز در این باره ذکر می‌کند؛ افرادی همچون ابواسحاق شیرازی، نووی، محلی و رملی. به عنوان مثال، نووی این‌گونه مطرح کرده که مستحبِ مؤکد است که حجاج بعد از اتمام حج، به زیارتِ قبر رسول خدا ﷺ بروند.

وی در ادامه، در تأیید سخنِ خود، سخنی از ابن تیمیه می‌آورد. ابن تیمیه ادعا کرده است که هیچ‌کس جرئت ندارد زیارتِ قبر رسول خدا ﷺ را تحریم کند، بلکه از آنجا که نماز در مسجدِ آن حضرت ثوابی عظیم دارد، مسلمانان به نیتِ نماز به مسجد می‌روند و مزارِ پیامبر ﷺ را نیز در کنار نمازخواندن، زیارت می‌کنند؛ چون قابلِ قبول نیست که شخص برای نماز در مسجد رسول خدا ﷺ شُددِ رحال کند، ولی در مسجد ایشان، قبر آن حضرت را زیارت نکند. مؤلف سخنِ ابن تیمیه را می‌پسندد و ذیل آن می‌گوید زیارتِ رسول خدا ﷺ مستحب است، ولی گاهی اوقات مشاهده می‌شود برخی افراد ازدحام می‌کنند که این امر موجبِ تماس با نامحرم یا زیرِ دستوپا ماندنِ دیگران می‌شود. مسلماً چنین زیارتی ثواب ندارد و نماز در آن مسجد، مقدم بر زیارت است.

۱. سورة نساء، آیه ۶۴.

۲. سورة نساء، آیه ۱۰۰.

وی همچنین از قول شیخ عطیه سالم، قاضی مدینه، کلامی در همین راستا ذکر می‌کند مبنی بر اینکه زیارت قبر رسول خدا ﷺ با نماز در مسجد ایشان، دو امر مجزا از یکدیگر نیستند و نمی‌توان آن دو را از یکدیگر تفکیک کرد.

آن‌گاه به ذکر کلام برخی دیگر از بزرگان اهل سنت در فضیلت زیارت ایشان می‌پردازد. مثلاً ابن‌همام حنفی بیان کرده که زیارت ایشان از بزرگ‌ترین اعمال است؛ به این شکل که زائر، خدا را به حق رسول خدا ﷺ سوگند دهد تا شفاعت آن حضرت را در حق او قبول نماید و به پیامبر ﷺ نیز مستقیماً توسل کند. مؤلف سخنانی از حسن عدوی مالکی و عبدالقادر گیلانی حنبلی نیز در همین موضوع نقل می‌کند و کلام نووی شافعی را، که قبلاً آورده بود، کمی تفصیل می‌دهد.

در مبحث بعدی، کلام علمای دیوبندی هند درباره زیارت رسول خدا ﷺ را از کتاب المقتد ذکر می‌نماید. ابتدا سؤالی درباره «شد رحال» برای زیارت آن حضرت می‌آورد و از همان کتاب چنین پاسخ می‌دهد که دیوبندیان در فروغ تابع ابوحنیفه، و در اعتقادات پیرو اشعری و ماتریدی هستند و چیزی را که در دین نباشد، داخل آن نمی‌کنند. دیوبندیان به قدری در این مسئله دقت به خرج داده‌اند که آنان را در شبه‌قاره، به «وهابی» ملقب کرده‌اند؛ در صورتی که آنان هرگز وهابی نیستند.

با این مقدمه، جامعه دیوبند زیارت قبر رسول خدا ﷺ را از ارزشمندترین عبادات می‌داند و حدیث «لا تشد الرحال» را نیز رد می‌کند؛ زیرا بدن مطهر رسول خدا ﷺ حتی از کعبه نیز شریف‌تر است. مؤلف در ادامه، از دیوبندیانی که سخن فوق را تأیید کرده‌اند، به ترتیب ذیل نام می‌برد: رشید احمد گنگوھی، خلیل احمد سهارنپوری، محمود حسن، حسن حسینی، عزیز الرحمن، اشرف علی تهمانوی، عبدالرحیم رانیپوری، محمد حسن دیوبندی، مولوی قدرت‌الله، مولوی کفایت‌الله و محمد یحیی سهارنپوری.

این بیانیه را علمای مکه، مدینه، الأزهر و سوریه نیز تأیید کرده‌اند.

## احترام بزرگان دین به مزار رسول خدا ﷺ

نویسنده پس از اینکه دیدگاه‌های دانشمندان اهل سنت را مبنی بر عظمت زیارت مزار پیامبر ﷺ ذکر می‌کند، سراغ ادله تاریخی رفته، بزرگداشت‌هایی را ذکر می‌کند که سلف و مسلمانان صدر اسلام نسبت به قبر رسول خدا ﷺ روا داشته‌اند. در ابتدا، از عمر بن عبدالعزیز نام می‌برد که به زائرانی که از شام به مدینه می‌رفتند، می‌گفت: «سلامم را به رسول خدا ﷺ برسانید» و خود او نیز به مزار ایشان بسیار احترام می‌گذاشت. آن‌گاه از زیارت جابر بن عبدالله و گریه‌های وی نزد مزار آن حضرت یاد می‌کند و باز به جهت اینکه حتی المقدور ابن تیمیه را در جبهه مخالف قرار ندهد، از وی کلامی در این باره می‌آورد. خلاصه کلام ابن تیمیه این است که زیارت قبور فی نفسه مشکلی ندارد؛ ولی برخی در آن غلو کرده‌اند و بر آنها سجده، و آنها را عبادت می‌کنند یا افسانه‌هایی درباره نگهبانی جن‌ها از آن مزارها می‌سازند؛ که همین کارهاست که مشروعیت زیارت قبور را خراب می‌کند.

در ادامه، دو حدیث مورد استناد ابن تیمیه را بررسی می‌کند:

۱. **روایت «لا تجعلوا قبری عيداً»:** مؤلف ابتدا اشکال برخی علما درباره سند آن را ذکر کرده، سپس به توضیح متن روایت و احتمال‌های موجود در آن می‌پردازد. یک احتمال این است: «فقط روزهای عید به زیارت مزار من نیایید، بلکه همیشه بیایید». احتمال دوم این است: «در کنار قبر من از لهو و لعب‌هایی که أحياناً در روزهای عید انجام می‌دهید، خودداری کنید». احتمال سوم نیز این است: «با گریه و تضرع بیایید، نه با حالت خوشحالی که انگار در ایام عید هستید».

وی همچنین از ابن عتیق حنبلی نجدی نقل می‌کند که طبق حدیث «لا تشد الرحال» مسجد پیامبر ﷺ از مساجدی است که استثنا شده و هرکس مخالف رفتن به آن مسجد باشد، باید سخنش را به صورتش گوید!

۲. **روایت «لا تجعلوا قبری وثناً»:** مؤلف با ذکر ادامه آن می‌گوید که این روایت به هیچ وجه در صدد نفی زیارت نیست، بلکه می‌گوید قبر ایشان را بت قرار ندهید که به سمت آن سجده و آن را عبادت نمایید. وی بیان می‌کند که هیچ شکی در حرمت

سجده بر غیر خدا و عبادت آن نیست؛ ولی کسی از زائران رسول خدا ﷺ ایشان را عبادت، و به سمت مزار ایشان سجده نمی‌کند. با توجه به اینکه روایات دیگری نیز در تشویق مردم به زیارت داریم؛ مثل حدیثی که می‌فرماید: «بین قبر و منبر مسجد، قسمتی از بهشت است».

### آداب زیارت رسول خدا ﷺ

نگارنده در این قسمت، سیر تاریخی نحوه زیارت مزار پیامبر ﷺ را بررسی می‌نماید و از امام زین‌العابدین (ع) نیز به‌عنوان یکی از زائران رسول خدا ﷺ یاد می‌کند که آن بزرگوار کنار ستون معروف می‌ایستادند و به رسول خدا ﷺ سلام می‌دادند. آن‌گاه از مالک بن انس یاد می‌کند که اصرار داشت هنگام سلام دادن به آن حضرت، حتماً رو به مزار ایشان نماید. سپس مؤلف به بررسی اقوال سایر علما در این باره می‌پردازد.

کسانی همچون قاضی عیاض، نووی، ابن ابی‌ملیکه، ابن حبیب، ابوحنیفه، سروجی حنفی، کرمانی، ابن‌همام و ابن‌جماعه بر این عقیده‌اند که زائر هنگام سلام و صلوات بر رسول خدا ﷺ، باید رو به مزار ایشان نماید. حتی برخی گفته‌اند که گذشتن از کنار مسجد آن حضرت، بدون سلام و صلوات فرستادن، کاری ناپسند است.

نویسنده در ادامه، زیارت‌نامه پیامبر اسلام ﷺ را می‌نویسد که از عالمانی همچون ابن‌حجر، نووی، غزالی، مطری، احمد قشاشی و حافظ بیهقی اخذ کرده است. زیارت‌نامه‌ها به‌گونه‌ای است که گویا خواننده آن زیارت، اعتقادی راسخ به این مطلب دارد که آن حضرت بعد از فوت نیز زنده هستند و صدای ما را می‌شنوند. وی می‌گوید شایسته است که زائر هنگام خواندن زیارت‌نامه، تواضع و ادب را نیز رعایت کند. سپس او زیارت‌نامه ابوبکر و عمر را نیز ذکر می‌کند.

مبحث بعدی در ذکر درجات زائران است. مؤلف با این مقدمه که زیارت افراد با توجه به میزان معرفت آنها ثواب کمتر یا بیشتری دارد، چند مرتبه ذکر می‌کند که افراد هرچه معرفت بیشتری داشته باشند، به مرتبه بالاتری می‌روند.

## حقیقت و فواید زیارت رسول خدا ﷺ

مؤلف اعتقاد دارد زیارت حقیقی، با قصد و وقوف در مسجد ایشان و توسل به آن حضرت شکل می‌گیرد. وی همچنین به‌عنوان مؤید، مطلبی را از قشاشی نقل می‌کند. سپس او به ذکر فواید زیارت می‌پردازد؛ فوایدی همچون تقویت ایمان، ورود به بهشت و شفاعت شدن توسط آن بزرگوار. ولی یکی از فوایدی که روی آن بسیار تأکید می‌کند این است که رسول خدا ﷺ به‌صورت کاملاً حقیقی صدای ما را می‌شنوند. وی برای اثبات این مدعا چندین حدیث نیز ذکر می‌کند؛ از جمله اینکه «هرکس در کنار مزارم بر من صلوات بفرستد، من آن را می‌شنوم». وی در ادامه، روایاتی می‌آورد مبنی بر اینکه صلوات‌های امت، بر رسول خدا ﷺ عرضه می‌شود.

یکی از ویژگی‌های آثار ضد سلفی این است که به‌طور جسته‌و‌گریخته به اکثر موارد مشروعیت زیارت قبور، توسل، تبرک و امثال آنها می‌پردازند و تمرکز و تمحض بر موضوعی خاص ندارند. کتاب پیش‌رو نیز از این ویژگی بی‌بهره نیست و به‌مناسبت این مبحث، ادله مفصلی بر اثبات زنده بودن رسول خدا ﷺ می‌آورد؛ از جمله اینکه مقام ایشان از مقام شهدا بالاتر است و اگر شهدا زنده باشند، آن حضرت نیز یقیناً زنده هستند، و همچنین برخی رسولان در قبورشان زنده‌اند و نماز می‌خوانند.

## زیارت رسول خدا ﷺ و دعا

نویسنده در این مبحث نیز ادامه همان سخنانی را می‌آورد که در نحوه زیارت ایشان گفته بود؛ مثلاً اینکه نباید در کنار مزار ایشان فریاد زد و باید رو به قبر ایشان دعا کرد. ولی ابن تیمیه عقیده دارد که دعا باید پشت به مزار و رو به قبله باشد که در جواب، فتوای علمای دیوبندی را در لزوم رو نمودن به مزار آن حضرت ذکر می‌کند. وی در ادامه، بازهم طرداللباب قولی از ابن عبدالوهاب در نقد توسل می‌آورد و در پاسخ وی، نمونه‌هایی تاریخی از توسل مسلمانان صدر اسلام به رسول خدا ﷺ را یادآور می‌شود؛ مثل دستور عایشه بر توسل به مزار آن حضرت.

## زیارت رسول خدا ﷺ و توسل

مؤلف به مواردی که برای اثبات مشروعیت توسل در بحث قبلی ذکر کرده بود، بسنده نمی‌کند و بحث بعدی را کلاً به همین مطلب اختصاص می‌دهد. وی روایات معروفی را در این باره ذکر می‌کند که می‌توان از روایت توسل حضرت آدم علیه السلام به رسول خدا ﷺ، و توسل عثمان بن حنیف به آن حضرت بعد از وفات ایشان نام برد. همچنین نویسنده مطرح می‌کند که در روایتی آمده است که خود آن حضرت هنگام خاکسپاری مادر حضرت علی علیه السلام، به انبیای گذشته توسل فرمودند.

## زیارت رسول خدا ﷺ و مناسک

در این قسمت، سخنان بزرگان اهل سنت در تأکید بر زیارت قبر پیامبر ﷺ توسط حجاج، آورده شده است. وی از قول هیتمی، ابن عبدالبر، بلاذری، اسحاق بن ابراهیم، ابن قدامه حنبلی، منصور بن یونس بهوتی و چند تن از علمای دیگر نقل می‌کند که حجاج هنگام زیارت خانه خدا و گزاردن اعمال حج، هرگز نباید از زیارت رسول مکرم اسلام ﷺ غافل شوند.

## زیارت رسول خدا ﷺ و شفاعت

با توجه به اینکه نویسنده در مباحث قبل یکی از فواید زیارت را شفاعت شدن توسط رسول خدا ﷺ دانسته بود، در این مبحث به ذکر روایاتی در این باره می‌پردازد؛ مثلاً اینکه رسول خدا ﷺ در قیامت می‌فرمایند: «پروردگارا، اتمم را دریاب» و خداوند به ایشان اذن می‌دهد که هر قدر که صلاح می‌دانند، امت خود را شفاعت نمایند. در ادامه نیز حدیث مفصلی به نام «شفاعت عظیم» می‌آورد و پرسش و پاسخی درباره اختصاص شفاعت به زائران می‌نویسد. او از قول سُبکی چنین توضیح می‌دهد که گویا منظور از حدیثی با این مضمون، این است که شفاعت شدن زائران، بهتر و سریع‌تر از سایر مسلمانان صورت می‌گیرد؛ وگرنه سایر مسلمانان نیز از این شفاعت محروم نخواهند بود. او از قول ابن حجر<sup>۱</sup>

۱. معمولاً منظور از عنوان «ابن حجر» به طور مطلق، «عسقلانی» است؛ ولی در این کتاب، عموماً منظور از «ابن حجر»،

نیز می‌نویسد که اجیر گرفتن برای زیارت، صحیح نیست.

## آداب زیارت در گفتاری دیگر

بازهم مؤلف نظم کتاب را رعایت نمی‌کند و در اینجا دوباره به ذکر آداب زیارت رسول خدا ﷺ می‌پردازد؛ از جمله تواضع، رعایت ادب و نمازخواندن در آنجا،<sup>۱</sup> توبه در آنجا، نمازخواندن در هر منزلی که در راه مسافرت به مسجد رسول خدا ﷺ در آنجا توقف شود، بسیار صلوات فرستادن در راه، خلوص نیت، استغفار کردن، اشتیاق نشان دادن، غسل کردن، خواندن دعاهای مخصوص، زیارت بقیع بعد از زیارت نبی مکرم ﷺ و محبت به اهل مدینه.

وی چنین ادامه می‌دهد که درباره عرض سلام به آن بزرگوار، ترتیب خاصی ذکر نشده و شخص می‌تواند هر طور که ادب اقتضا می‌کند، سلام و صلوات بفرستد. او بیان می‌کند که افراد بهتر است اعمالی را در آنجا ترک کنند؛ مثل فریادزدن در مسجد، تعظیم کردن به قبر، پشت کردن به قبر، طواف دور قبر، محل عبور و مرور قرار دادن مسجد، و سوار شدن بر مرکب تا جایی که ترک سوار شدن بر مرکب برایش مقدور باشد و...<sup>۲</sup>

## زیارت رسول خدا ﷺ و شعر

در این بخش، نویسنده ابتدائاً از فضیلت ابراز علاقه به آن حضرت و بدعت نبودن این کار دفاع کرده است؛ چراکه الفاظی از ابن عبدالوهاب می‌آورد مبنی بر شرک و بدعت بودن زیارت، توسل و اعمالی مشابه آن، که مؤلف لازم دیده است با وی مقابله نماید. مثلاً می‌گوید دوست داشتن رسول خدا ﷺ و توسل به ایشان، عین توحید و التزام به قرآن

«هیتمی» است. شاهد این است که هر جا سخنی از ابن حجر بدون پسوند آورده است، آثار هیتمی را به عنوان سند آن سخن نوشته است.

۱. با توجه به اینکه در روایت آمده است که نمازخواندن در مسجد رسول خدا ﷺ از نمازخواندن در هر جای دیگری غیر از مسجد الحرام بافضیلت‌تر است.

۲. ابن کار از مالک بن انس نقل شده است و از آنجا که نویسنده این کتاب، مالکی‌مذهب است، به این عمل مالک احترام خاصی می‌گذارد.

است.<sup>۱</sup> او در انتهای کتاب، اشعاری از سلطان عبدالحمیدخان، ابن رشید بغدادی شافعی، عبدالله حضرمی شافعی، عسقلانی، عبدالرحیم برعی، یحیی صرصری، ابن سعید غرناطی اندلسی و برخی دیگر از شعرای سنی مذهب، در مدح رسول خدا ﷺ و علاقه به زیارت ایشان، ذکر می‌کند.

### نتیجه

کتاب پیش‌رو مانند اکثر آثاری که اندیشمندان دغدغه‌مند و متعهد اهل سنت علیه برخی باورهای بی‌اساس سلفیان نوشته‌اند، از نظم و ترتیب کافی برخوردار نیست و برخی مباحث در یکدیگر تداخل دارند و گاهی نیز یک مبحث به دو مبحث تبدیل شده است. ولی این کتاب به جهت اینکه با تکیه بر روایات مقبول اهل سنت و تاریخ معتبر، مشروعیت زیارت مزار مطهر نبی مکرم اسلام ﷺ را اثبات کرده، اثری ارزشمند و مفید برای معرفی تشخیص داده شده است. ضمن اینکه مؤلف در مرکز وهابیت به دنیا آمد و در همان‌جا هم به خاک سپرده شد، ولی در عین حفظ احترام بزرگان وهابی، همواره منتقد آنان بود و بر مذهب مالکی باقی ماند.

۱. با تکیه بر آیه ۳۵ سورة مائده: ﴿ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾.